۱۹ از نظر وی عقل و دین در همهٔ احکام خود با هم تطبیق دارند (۰/۲۵) و ممکن نیست که احکام شریعت و دین با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد. (۰/۲۵) وی پایه بحث‌های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف (شهود) و شرع (وحی و سنت) گذاشت (۰/۲۵) و در راه کشف حقایق الهیات از مقدمات برهانی و مطالب کشفی (شهودی) و مواد قطعی دینی (آنچه از راه قرآن و حدیث به‌دست می‌آید.) استفاده نمود. (۰/۲۵)

۲۰ ۱-روش تجربی دارای محدودیت‌هایی بود که نمی‌توانست پاسخگوی سؤالات مهم انسان باشد؛ (۰/۲۵) ۲- تجربه در دستیابی به همهٔ خصوصیات اشیاء ناتوان است؛ (۰/۲۵) ۳- بسیاری از نتایج احتمالی است. (۰/۲۵)

فصل ۳: انسان

درس ۹: چیستی انسان (۱)

مفاهیم آموزشی

- مسئلهٔ حقیقت انسان
  ۱) از مسائل مورد توجه فیلسوفان از ابتدای شکل‌گیری فلسفه بوده است.
  ۲) فیلسوفان نظرات مختلف و گاه متضادی دربارهٔ حقیقت انسان مطرح کرده‌اند.

الف) دورهٔ یونان باستان

۱- دیدگاه افلاطون
۱) اولین بار نظر دقیق و روشن دربارهٔ انسان از جانب افلاطون ابراز شد.
۲) مجموعهٔ آثار افلاطون منعکس‌کنندهٔ اندیشهٔ سقراط نیز هست.
۳) انسان علاوه بر بدن دارای حقیقتی برتر یعنی نفس است که محدودیت‌های بدن را ندارد و قابل رویت نیست.
۴) نفس با ارزش‌ترین دارایی انسان است که مراقبت از آن وظیفهٔ هر انسانی است تا زیبا شود و به فضایل آراسته گردد.
۵) نفس تنها موجودی است که به‌طور خاص دارای عقل و خرد بوده و نامرئی است.
۶) نفس جزء عقلانی انسان است که او را از حیوانات متمایز کرده، غیر فانی و جاوید است.

۲- دیدگاه ارسطو
۱) نظر افلاطون را مبنی بر اینکه قوه نطق (عقل) و قابلیت حیات مربوط به نفس است نه بدن، پذیرفت.
۲) بدن بدون نفس یک موجود مرده است.
۳) نفس انسان در هنگام تولد حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد؛ نه علم، نه محبت، نه نفرت و به‌تدریج این امور را کسب می‌کند.
۴) نفس با کسب این امور (نفرت و ...) به فعلیت می‌رسد و کامل و کامل‌تر می‌شود.

۳- ✪ مقصود از ناطق بودن چیست؟
۱) منظور از ناطق بودن انسان، صرفاً سخن گفتن نیست بلکه مقصود قوهٔ تفکر و تعقل است.
۲) انسان با قوهٔ تفکر خود استدلال می‌کند یعنی از تصورات و تصدیقات خود کمک می‌گیرد.
۳) پس از تنظیم استدلال، با سخن گفتن و نطق محتوای استدلال را به دیگران منتقل می‌نماید و گویا در هنگام استدلال با خود نطق می‌کند.

ب) دورهٔ جدید اروپا

- دو تلقی فیلسوفان اروپایی از انسان
  ۱) معتقدین به وجود نفس
  ۱- مانند افلاطون و ارسطو معتقد به وجود «نفس» و «روح» هستند.
  ۲- برای انسان دو بُعد روحی و مادی قائلند و حقیقت انسان را همان روح و نفس وی می‌دانند.
  ۲) انسان تک ساحتی
  ۱- یا اصولاً وجود «نفس» را انکار می‌کنند و انسان را یک موجود مادی می‌دانند.
  ۲- یا چیزی فرعی نسبت به بدن می‌دانند و آن را از آثار و لوازم بدن به شمار می‌آورند.

@KonkurVIPbook

۱- معتقدین به وجود نفس
- ۱) دکارت (فیلسوف فرانسوی)
  - ۱- بدن را ماشینی پیچیده می‌داند که به طور خودکار فعالیت می‌کند.
  - ۲- «بدن» حقیقت «من» انسان را تشکیل نمی‌دهد بلکه «من» همان «روح» یا «نفس» است که مرکز اندیشه‌های او است.
  - ۳- این روح است که استدلال می‌کند، می‌پذیرد و یا رد می‌کند.
  - ۴- روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوت دارند. گرچه روح و بدن با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می‌کند.
  - ۵- روح از قوانین فیزیکی آزاد است ولی بدن مانند اجسام دیگر از قوانین فیزیکی تبعیت می‌کند و آزاد نیست.
- ۲) کانت (فیلسوف قرن هجدهم)
  - ۱- استدلالی متفاوت با استدلال دکارت داشت و از این راه نفس مختار و ارادهٔ آزاد انسان را اثبات کرد.
  - ۲- معتقد بود انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است بنابراین وجود چنین ویژگی بدون وجود اختیار و اراده معنا ندارد.
  - ۳- اختیار ویژگی نفس است نه بدن که یک امر عادی است.
- ۳) فیلسوفان عقل‌گرای دیگر نیز عموماً مانند دکارت و کانت اعتقاد دارند که انسان علاوه بر بدن یک حقیقت روحانی برتر دارد که اراده و اختیار مربوط به آن است.

۲- انسان تک ساحتی

۱) ماتریالیست‌ها تنها یک بعد (ساحت) برای انسان قائل هستند که همان بعد مادی یا جسمانی است. ذهن و روان هم چیزی جز مغز و سلسلهٔ اعصاب انسان نیست. انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر.

- توماس‌هابز (از ماتریالیست‌های اولیه در قرن ۱۷ انگلستان): ذهن بشر را یک ماشین پیچیدهٔ مادی تلقی می‌کند. در نظر او ذهن بشر شبیه به یک دستگاه مکانیکی مانند موتور اتومبیل، کار می‌کند.
- مارکس (فیلسوف ماتریالیست قرن نوزدهم): انسان را فقط یک موجود مادی می‌دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می‌دهند. نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده‌اند.

۲) ✪ داروینیست‌ها
- ۱- عقایدی نزدیک به ماتریالیست‌ها دارند.
- ۲- نتایجی که این فیلسوفان از نظریه داروین گرفتند عبارت است از: پیدایش حیات - تحول تدریجی موجودات زنده - پیدایش انسان از حیوان
- ۳- انسان چیزی نیست جز یک حیوان راست قامت با این تفاوت که انسان از سایر حیوانات پیچیده‌تر است.

- نظر کلی ماتریالیست‌ها و داروینیست‌ها
  - ۱) تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد؛ پس برای انسان ارزش ویژه‌ای قائل نبودند.
  - ۲) اگر انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی توجه می‌کند به دلیل فضیلت‌گرایی در روح و فطرت نیست. بلکه به این دلیل است که انسان‌ها وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده‌اند.
  - ۳) زیست اجتماعی انسان را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند.

سؤال متن ۷۱

توپ‌های تنیس مهم‌ترین چیزها در زندگی ما هستند، مثل افکار ما دربارهٔ حقیقت هستی - ویژگی‌های انسان و اهداف انسان از زندگی
اما سنگریزه‌ها سایر چیزهای قابل اهمیت هستند، مثل کار - رشتهٔ تحصیلی - ازدواج
ماسه‌ها هم سایر چیزها هستند، مسائل خیلی ساده، مثل چی بپوشم، چی بخورم ...
حال می‌پرسم: برای اینکه توپ‌های تنیس زندگی‌تان را با سنگریزه‌ها و ماسه ها اشتباه نگیرید، چه باید بکنید؟ باید حقیقت وجودی خویش را بشناسیم و با صفات انسان آشنا شویم و اهداف خویش را معین و مشخص کنیم.
منظورتان از این «من» چیست؟ حقیقت انسان (بُعد جسمانی و روح)
آیا مقصودتان جسم و بدن شماست؟ خیر
اندیشه و ذهنتان است؟ خیر
احساسات و عواطف و خاطرات شماست؟ خیر
یا همهٔ اینها متعلق به آن حقیقتی است که آن را «من» می‌نامید؟ بله

بررسی ۷۲

به نظر شما ... ؟ چون در وجود انسان خصوصیاتی غیر از بُعد مادی قابل درک است و «منِ» انسان را می‌سازد.

مقایسه ۷۵

دیدگاه معتقدین به ... .

معتقدین به روح و بدن	معتقدین به انسان تک‌ساحتی
۱- انسان نوعی حیوان است که دارای ویژگی «نطق» (تفکر و تعقل) است.	۱- انسان نوعی حیوان است و با سایر حیوانات تفاوت ندارد.
۲- نطق به بُعد غیرمادی انسان یعنی روح باز می‌گردد.	۲- ذهن انسان مجموعه‌ای از سلول‌های مغزی است که افکار را جمع و جور می‌کند.
۳- ذهن مرکز اندیشه و تفکر در انسان است.	۳- ذهن انسان شبیه ماشین است ولی یک ماشین پیچیده
۴- انسان دارای اراده و اختیار است که این اختیار در انسان مربوط به بُعد غیرمادی (روح) می‌باشد.	۴- نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و اخلاق به خاطر نیازهای مادی پیدا شده‌اند.

تطبیق ۷۵

در این درس ... .

فیلسوفان	تطبیق
افلاطون و ارسطو	دیدگاه اعتبار حس و عقل
دکارت	دیدگاه اصالت عقل
کانت	دیدگاه همکاری حس با عقل
ماتریالیست‌ها و داروینیست‌ها	دیدگاه اصالت تجربه (اعتبار حس)

درس ۱۰: چیستی انسان (۲)

مفاهیم آموزشی

دیدگاه فیلسوفان مسلمان (که البته بیشتر ایرانی هستند) دربارهٔ حقیقت انسان

۱- فیلسوفان مسلمان با استفاده از آنچه از افلاطون و ارسطو و پیروان آن دو به دستشان رسیده و با الهام از آموزه‌های دینی خود، در توضیح و تبیین حقیقت انسان قدم‌های بلندی برداشتند و آثاری از خود باقی گذاشتند.

۲- از بین فیلسوفان مسلمان، برخی تأکید دارند که انسان موجودی صرفاً مادی و زمینی نیست و ویژگی‌هایی متعالی و ارزشمند مانند، آزادگی، کرامت و ... برای انسان قائل شدند.

۳- با توجه به کتاب آسمانی خود فیلسوفان مسلمان «روح» را هدیه‌ای الهی و غیرزمینی می‌دانستند.

۴- ویژگی‌های انسان در قرآن: جاویدان، جانشین خدا در زمین، مسجود فرشتگان، خداوند آسمان‌ها و زمین را برای او آفریده و آماده کرده است.

۵- ابن سینا: (از جانب بالا)

۱) عقاید ارسطو را دربارهٔ انسان قبول دارد.

۲) از نظر وی وقتی بدن دورهٔ جنینی را در رحم مادر می‌گذارند و همهٔ اندام‌هایش شکل می‌گیرد خداوند روح انسانی را به آن بدن عطا می‌کند.

۳) روح جنبهٔ غیرمادی دارد و از جنس موجودات مجرد و غیرمادی است.

۴) انسان به خاطر داشتن تفکر، استعداد کسب علم و اموری از قبیل اخلاق، عشق، دوستی، نفرت، پرستش و معنویت را دارد.

۵) وی برای روح جایگاهی بس رفیع قائل است که روح آدمی بی‌قرار رسیدن به آن جایگاه رفیع است.

۶- سهروردی (حقیقت نورانی نفس)
۱) از فیلسوفان بزرگ جهان اسلام و عارف و سالک الی‌الله است.
۲) نفس با بهره‌مندی از الهامات و اشراقات معنوی به شهود بسیاری از حقایق دست می‌یابد.
۳) سعی می‌کند آنچه را به شهود یافته به زبان فلسفه و استدلال بیان کند.
۴) به جای مفهوم «وجود» بیشتر از مفهوم «نور» استفاده می‌کند.
۵) معتقد است هستی مراتب نور است.

- خداوند در نظر سهروردی نور محض است، هیچ ظلمتی در خدا راه ندارد و «نورالانوار» است.
- در نظر سهروردی سایر مراتب وجود، نور هستی خود را از نورالانوار دریافت می‌کنند و چون نور کامل نیستند، ترکیبی از نور و ظلمت‌اند.

@KonkurVIPBook